





ادی کوهن (Cohen Edy)، کارشناس جهان عرب و اسلام و مشاور دولت اسرائیل و کارمند پیشین دفتر بنیامین نتانیاهو در امور اعراب، در زمان فرماندوم اقلیم کردستان، که به نمایندگی دولت اسرائیل نقش استراتژیست را برای بارزانی ایفا می کرد و برنامه اسکان یهودی ها و بپاسازی پایگاه های نظامی اسرائیلی را در آنجا در سر می پروراند، اکنون که برنامه هایش با شکست روبرو شده است یورش های خود را متوجه مناطق گاز و نفت خیز ایران ساخته تا به یاری کشورهای عربی و سرمایه های بادآورده از فروش نفت، کیان و هستی ایران را از هم بپاشاند! او در مقاله ای با عنوان "اسرائیل بایستی از آزادی الاحواز تحت اشغال ایرانیان پشتیبانی کند"، که در روزنامه ایلاف چاپ لندن بچاپ رسیده است،^{[[۱]]} بار دیگر به نمایندگی دولت اسرائیل، با صحنه گذاشتن بر روی اهمیت دوستی استراتژیکی میان جهان عرب و اسرائیل در روبرویی با ایران، از کشورهای عربی خلیج فارس دعوت می کند تا با بپاسازی یک ائتلاف با دولت اسرائیل، استان های گاز و نفت خیز جنوب ایران را بعنوان یک سرزمین عربی تحت اشغال ایرانیان برسمیت شناخته و برای تجزیه آن ها از ایران و سرانجام نابودی ایران همکاری کنند. پیشنهاد مضحکانه و در عین حال توهین آمیز اسرائیلی ها در برسمیت شناختن استان های جنوبی ایران بعنوان یک کشور مستقل عربی(!) در زمانی صورت می گیرد که بر اساس قوانین بین المللی خود اسرائیل بخاطر نداشتن مرزهای مشخص بعنوان یک "کشور مستقل" از سوی هیچ یک از کشورهای عضو سازمان ملل به رسمیت شناخته نشده است و برای فرار از آن، پیشوند "state the" یا "موجودیت" را به واژه اسرائیل می افزاید.



کوهن در مقاله ذکر شده، با تکرار ادعاهای موهوم اربابان انگلیسی گروه های تروریستی عرب که جنوب ایران سرزمین های عربی می باشند که نامش الاحواز بوده و در سال ۱۹۲۵ به اشغال ایرانیان در آمده است [۲]]، می افزاید که ایرانیان بجز الاحواز، سه آبخوست [جزیره] عربی (!) بوموسو، تنب بزرگ و کوچک را در سال ۱۹۷۱ میلادی به اشغال ایران خود درآورده اند و به دولت متبوع خود پیشنهاد می دهد تا به اعراب نیز در "آزادسازی آبخوست ها از چنگال ایرانیان" (!) یاری رساند، پیش از آنکه ایرانیان بحرین را هم به اشغال خود در آورند. او برای جریحه دار ساختن احساسات اعراب می افزاید "اگر اسرائیل یک کشور عربی را اشغال می کرد، مسلماً اعراب دست بر روی دست نمی گذاشتند، پس چرا در مورد ایران کاری انجام نمی دهند؟! این سخن مضحکانه زمانی ابراز می شود که خود اسرائیل پس از اشغال یک کشور عربی و اسکان دادن "یهودی های جعلی" (اشکنازی) [۳]] بر روی خون های فلسطینی های عرب بنا شده است و از دهه ۴۰ میلادی تا به امروز رژیم اشغالگر و آپارتاید اسرائیل، روزی نبوده است که در برابر چشم و خاموشی کامل جهانیان، بویژه کشورهای عربی، ساده ترین حقوق انسانی مردمان بومی آن سرزمین را به خشن ترین و غیرانسانی ترین شیوه ها پایمال کرده است.

کوهن در این مقاله، آشکارا موضع دولت اسرائیل را در باره تجزیه ایران و پشتیبانی از استقلال کشور [باصطلاح عربی] الاحواز اعلام می دارد و از کشورهای عربی دعوت می کند تا با پیاسازی ائتلافی، نه تنها "اعراب که در اسارت ایرانیان بسر

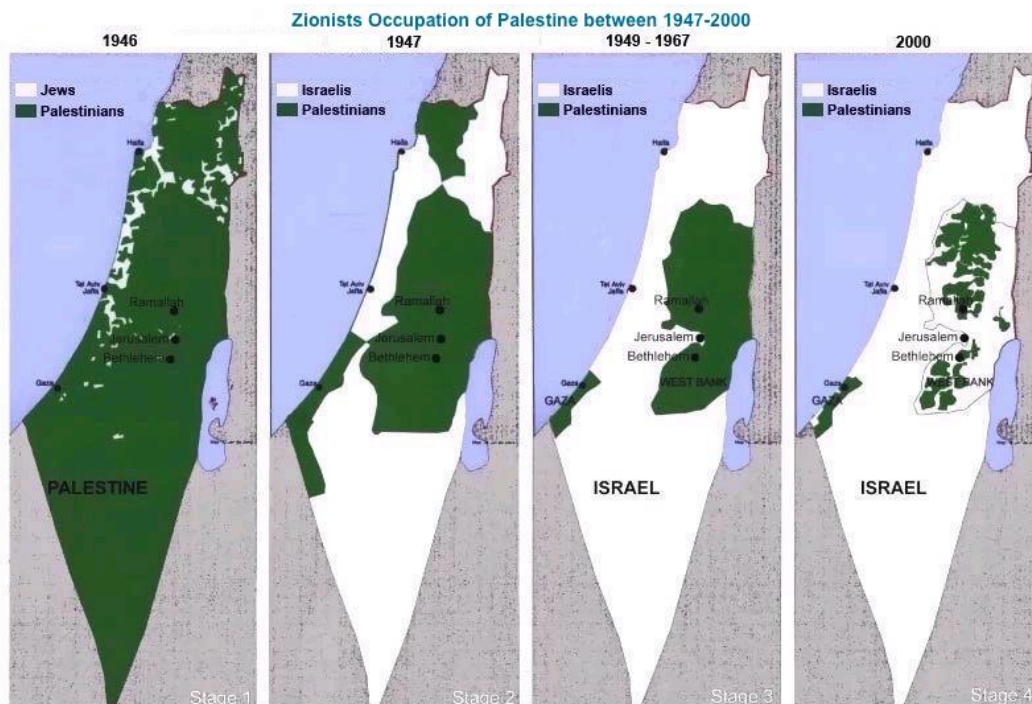
می برند و بزور وادار شده اند تا فارسی سخن بگویند را آزاد کنند" (!)، بلکه خطر برای اسرائیل و کشورهای عربی را برای همیشه از خود دور نمایند.

او در پایان مقاله خود بار دیگر با تکیه بر مواضع اسرائیل می نویسد: "مواضع ما در باره 'پروژه الاحواز' روشن است و امیدواریم که اعراب پیام ما را دریافت کرده و راهی که برای رویارویی با دشمن مشترکمان ارائه داده ایم را بپذیرند."

این مقاله دقیقاً دو هفته پس از کشته شدن احمد نیسی^{[[۴]]} که ادعا شده است رهبر گروه تروریستی "جنبش آزاد بخش الاحواز" (حركة النضال العربی لتحریر الاحواز - ASMLA) بوده و توسط سپاه پاسداران در هلند به هلاکت رسیده است بخش می شود.

با آنکه در گذشته اسرائیلی ها تلاش کرده بوند تا با دامن زدن به اختلافات تیره ای/زبانی در ایران موجب از هم پاشیدن ایران شوند،^{[[۵]]} ولی این نخستین بار است که یک مقام اسرائیلی به نمایندگی دولت متبوعش به این صراحت و علناً خواهان تجزیه و نابودی ایران می شود. بهر روی، این اشک تمساح ریختن های اسرائیلی ها برای باصطلاح "اعراب اسیر در ایران" که کل جمعیتشان حتی یک سوم استان خوزستان هم نمی شود و در یکصد سال گذشته از جنوب عراق به ایران مهاجرت کرده اند، چندین هدف را دنبال می کند:

الف. برانگیختن خشم اعراب کشورهای خلیج فارس و ایجاد تنش و اختلافات بیشتر با ایرانیا؛



ب: جلب اعراب بسوی اسرائیل، نه تنها برای برسمیت شناختنش بعنوان یک کشور مستقل از سوی آنان، بلکه خریداری سکوتشان در برابر سیاست های سرکوبگرانه و زیاده خواهانه آن کشور در منطقه؛

پ: با یورش آشکارا به تمامیت ارضی ایران، غیرمستقیم ولی آگاهانه به بقای رژیم غوغاسالارمذهبی روضه خوانان باری رساندن! اسرائیلی ها و غریبان بخوبی آگاهند تا زمانی که تمامیت ارضی ایران در خطر است، مردم ایران بر علیه نظام بپا نخواهند خاست که مبادا سرنوشتی همچون سوریه یا لیبی برای خود و کشورشان رقم زنند. بنابراین، تا زمانی که جمهوری اسلامی بر مسند قدرت در ایران تکیه داده است، غریبان نه تنها نفت را از آب ارزانتر می خرند، بلکه اعراب همچنان بزرگترین خریداران سلاح های جنگی آنان خواهند بود؛ نیز از آنسوی، اسرائیل تحت نام دفاع از خود در برابر تروریسم و حزب الله و دیگر مترسک های پوشالی اسلامی، نه تنها به گسترش سرزمین های اشغالی خود ادامه خواهد داد، بلکه هر گونه مخالفت جهانی با سیاست های ضدانسانیش را در هم می کوید. ناگفته نماند، که اسرائیل نقش مهمی در فروپاشی نظام شاهنشاهی و بر سر کار آوردن جمهوری اسلامی توسط کشورهای غربی در سال ۵۷ در ایران ایفا کرد،^{[[۶]]} که در اینجا جای دارد تا به سخن 'آری بن مناشه' (Menashe-Ben Ari)، کارمند "مرکز فعالیتهای اطلاعاتی و ضدجاسوسی اسرائیل" در کتاب "پول خون" اشاره شود:

«ظهور خمینی در ایران، برای اسرائیل موهبتی بود که کمتر در درازای سالهای زاده، در این منطقه روی داده بود.... او گوئی برای انجام هدفهای ما روی کار آمده بود و ما باور داشتیم که منافع امنیتی ملی ما اجاب میکرد که به او کمک و آری دهیم.»

در هر روی، ایران کشوریست با دیرینگی تاریخی چندین هزار ساله و "جمهوری اسلامی یک سؤهاضمه چهل ساله است که سرانجام رفع و دفع خواهد شد" و ایران و ایرانیان بعنوان یک کشور و ملت یکپارچه به بقای خود ادامه خواهند داد، ولی امیدست که ملت ایران این روزها و دشمنی ها را فراموش نکرده و متوجه و آگاه باشند که ستیز و دشمنی نه تنها اسرائیلی ها، بلکه همه بیگانگان با رژیم جمهوری اسلامی نیست، بلکه تمامیت ارضی ایران و کیان و هستی ایران را نشانه رفته اند و همواره بخاطر بسپارند که "دشمنی با ایران و ایرانی در نهاد و سرشت همه کشورمداران[سیاستمداران] بیگانه نهفته است"، و ایران، هیچ دوست و پشتیبانی ندارد، بجز ملت ایران.

فروغ اهورایی، همواره پاسدار و نگهبان ایرانزمین و ایرانیان باد.

شاپور سورنپهلو

روز تیر از ماه آذر سال ۳۷۵۵ بهدینی

۲۸ نوامبر ۲۰۱۷ ترسایی

۱. ایدی کوه ن، "علی اسرائیل دعم الاحواز وتحررها من الاحتلال الایرانی" -
<http://elaph.com/Web/Opinion/2017/11/1177819.html>

۲ - گروه های ایرانستان-خواه [تجزیه طلب] و ایرانفروش [مزدور بیگانه] که تحت ریاست یک انگلیسی بنام 'دنیل برت' در پی جداسازی استان های گاز و نفت خیز ایران هستند و آنرا "الاحواز" می خوانند (با شهر اهواز اشتباه نشود)، شامل استان های خوزستان، بوشهر، لرستان، ایلام و کهگیلویه و بویر احمد و نیز بخش هایی از استان های کرمانشاه، کردستان، همدان، مرکزی، قم، اصفهان، چارمحال بختیاری، فارس، و هرمزگان می شود. گروه های عرب مزدور بیگانه مدعی می شوند این سرزمین ها، که در حقیقت خاستگاه تمدن هخامنشی و هویت ایرانی می باشند، کشوری عربی بنام الاحواز بوده که در زمان رضاشاه در سال ۱۹۲۵ میلادی به اشغال ایرانیان درآمده است. شگفت آور نیست که این کشور خیالی، سرزمین های گاز و نفت خیز ایران را در بر می گیرد که تا پیش از آزادسازی ایران از چنگال رژیم قاجاریه بدست رضاشاه، بخش نفوذی و تحت اشغال و چیرگی بریتانیا بشمار می رفتند و بریتانیا تا به امروز غیرمستقیم بخشی از خاک خود می پندارد! برای اطلاعات بیشتر به نوشتارهای زیر مراجعه شود:

الف. سورنپهلو، شاپور، "سایه لاشخوران بر روی خاک ایران: افزایش فعالیتهای غریبان برای جداسازی خوزستان و دیگر سرزمینهای نفت خیز از ایران"

ب. سورنپهلو، شاپور، "مناطق نفت خیز ایران و نقشه خیالی امیرنشین الاحواز"

۳. سورنپهلو، شاپور، "اگر کورش بزرگ جام جهان نما داشت"

۴. سورنپهلو، شاپور، "یادداشتی پیرامون به هلاکت رسیدن یک عرب تروریست در هلند و پیوند دادنش به ایران!"

۵. از جمله بر اساس یکی از اسناد افشا کننده ویکی لیکس، به نشستی محرمانه مئیر داگان رئیس پیشین موساد با نیکولاس برنز معاون وزیر امور خارجه آمریکا دولت جورج بوش در آگوست ۲۰۰۷ اشاره می کند، که داگان پیشنهاد دامن زدن به اختلافات قومی در ایران را پیشنهاد داده بود:

US embassy cables: Israel grateful for US support –

[پیوند: <http://www.guardian.co.uk/world/us-embassy-cables/documents/120696>]

۶. سورنپهلو، شاپور، "از توطئه تا انقلاب مهندسی شده: چرا و چگونه کشورهای غربی و اسرائیل نظام شاهنشاهی را سرنگون ساختند؟ – برای اطلاعات بیشتر درباره نقش اسرائیل در فروپاشی نظام شاهنشاهی و بر سر کار آوردن رژیم اسلامی به مقاله "چرا و چگونه اسرائیل، شاه را سرنگون و خمینی را به ایران آورد؟"، به خامه دکتر کاوه احمدی علی آبادی مراجعه شود.

#419ab3

